



# بررسی شیوه‌های تشویق صادرات در ترکیه

مشکلات تراز پرداختها دولت را ناچار به اتخاذ تصمیمات خاصی در ارتباط با تجارت خارجی و سیستم ارزی می‌نمود اما بطور کلی سیاست تجاری در طی این دهه بعنوان ابزاری در جهت رسیدن به اهداف توسعه کشور تلقی می‌گردید. تصور اقتصاددانان در این دوره آن بود که مشکلات تراز پرداختها خود ناشی از دست نیافتن به اهداف توسعه و رشد کافی در بخشهای مختلف تولیدی است لذا می‌توان در این زمینه از سیاستهای تجاری بعنوان ابزاری برای کسب درآمدهای ارزی و تزریق آن به بخشهای اقتصادی بهره جست.

عدم تعادل تراز پرداختها در دهه ۱۹۶۰ عمده ناشی از افزایش سریع تقاضای داخلی برای واردات مورد نیاز سرمایه‌گذاری‌ها، توأم با روند بسیار کند صادرات ناشی از

طی جنگ جهانی دوم ترکیه از مزاد تجاری و در نتیجه افزایش ذخایر طلا و ارز برخوردار گردید. اما پس از جنگ تا سال ۱۹۷۰ این کشور دچار کمبود ارز و مشکلات تراز پرداختها بود. کسری حساب جاری این کشور در طی دهه ۱۹۵۰ بطور متوسط سالانه ۱۲۰ میلیون دلار بود که در دهه ۱۹۶۰ این رقم به ۱۸۰ میلیون دلار افزایش یافت.

تجارت خارجی و سیاستهای ارزی ترکیه همواره ناشی از عدم تعادل شدید تراز پرداختها و کمبود ارزی بوده است. طی دهه ۱۹۵۰ سیاستهای تجاری ترکیه بدور از اهداف توسعه و غالباً در جهت حل مسائل جاری اقتصادی کشور و بدون برنامه‌ریزی صورت میگرفت. طی دهه ۱۹۶۰ گرچه

کاهش ارزش لیر ترکیه و ارائه مشوقهای صادراتی از قبیل: بازپرداخت مالیاتی به صادرکنندگان، اعتبارات سو بسید شده اعطایی به بخش صادرات و نیز تخصیص ارز به صنایع صادراتی جهت واردات نهاده‌ها از جمله سیاستهای مؤثری است که ترکیه را قادر ساخت از فضای مناسب خارجی بهره کامل گرفته و به افزایش صادرات خویش کمک کند.

محدودیتهای کمی واردات بود تا تبدیل نرخ ارز. دریافت وام بیشتر از منابع تجاری و بانک‌های خارجی که در دهه ۱۹۵۰ صورت گرفته بود نیز بر مشکلات کشور دامن زد و این کشور را در اوایل دهه ۱۹۶۰ با بحران نقدینگی و ساختار نامناسب دیون خارجی روبرو ساخت.

ترکیه از دهه ۱۹۵۰ همواره از طریق تعدیل نرخ برابری پول خود و کنترل‌های تجاری، مازاد تقاضا برای ارز را تحت کنترل درآورده است؛ و این در حالی است که همراه با نرخ رسمی ارز، سیستم چندگانه نرخ ارز با نرخهای متفاوت برای معاملات مشخص و مجموعه‌ای از مالیاتها و سو بسیدهای مختلف - که بر نرخ واقعی تبدیل ارز تأثیر دارد- نیز وجود داشته است. ارزش لیر ترکیه تا سال ۱۹۵۸ در سطح دو لیر در برابر یک دلار قرار داشت اما در آن سال کاهش یافت و در سال ۱۹۶۰ سیستم چندگانه نرخ ارز نیز حذف گردید. نرخ رسمی تبدیل برای کلیه معاملات - به استثناء نرخهای خاصی که به درآمد



کشش ناپذیری تقاضای خارجی برای تولیدات سنتی ترکیه و نیز عدم قابلیت گسترش دامنه کالاها برای صدور بود. این مشکلات همچنین با تورم، مدیریت ضعیف بخش تجارت، کنترل‌های ارزی و فرار سرمایه توأم گردیدند. سعی دولت در جهت خنثی سازی اثرات تورمی و کاهش فشار بر تراز پرداختها بیشتر معطوف به کنترل و

کارگران ترک مقیم خارج و توریست‌ها تعلق می‌گرفت. در سطح نه لیر در برابر یک دلار تثبیت گردید. در سال ۱۹۷۰ ارزش برابری رسمی لیر مجدداً به پانزده لیر در برابر یک دلار کاهش یافت.<sup>۱</sup> و تنها هشت کالای اساسی کشاورزی که صادرات عمده ترکیه را تشکیل می‌دادند از این نرخ مستثنی گردیدند.<sup>۲</sup>

گرچه تا قبل از دهه ۱۹۸۰ سیاستهای متعددی در جهت گسترش صادرات و بهبود تراز پرداختها اعمال گردید اما آنچه مسلم است حمایت شدید داخلی و کنترل‌های تجاری، انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری در صنایع جانشین واردات ایجاد می‌کرد. طی دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ با اجرای سیاست جانشینی واردات، صادرات به ترتیب از متوسط نرخ رشد سالانه ۲ و ۳/۶ درصد برخوردار گردیده<sup>(۱)</sup> که عمده ناشی از رشد صادرات تولیدات کشاورزی و تا حدودی افزایش رشد تولیدات معدنی بوده است.

در طی دهه ۱۹۷۰ سیاست جانشینی واردات همچنان دنبال گردید. گرچه در اوایل این دهه تقویت جریان ارسال ارز

توسط مهاجرین ترک به کشور، موقعیت تراز پرداختها را بهبود بخشید اما از اواسط این دهه، افزایش نیاز وارداتی صنایع، بسیار بیشتر از رشد صادرات گردید و افزایش بهای نفت در سال ۱۹۷۳ - که بخش عظیم واردات ترکیه را تشکیل می‌داد - توأم با تداوم سیاست جانشینی واردات، کشور را با بحران ارزی و باز پرداخت بدهیها در سال ۱۹۷۸ مواجه ساخت. اگرچه دولت ترکیه توانست با تغییر زمان‌بندی باز پرداخت بیش از ۶۰ درصد بدهیهای خود که آن زمان حدود ۲/۹ میلیارد دلار بود، تا حدودی از این بحران رهایی یابد اما موقعیت وخیم ارزی کشور همچنان باقی بود.

در همین زمان بسیاری از نهادهای وارداتی مورد نیاز صنایع کمیاب گردید و محدودیتهای وارداتی به کاهش تولید ناخالص ملی (برای اولین بار طی دو دهه) در سال ۱۹۷۹ انجامید. بی‌ثباتی سیاسی در کشور نیز به رکود اقتصادی دامن زد. با روی کار آمدن دولت سلیمان دمیرل (در سال ۱۹۷۹) و در مواجهه با این مشکلات، برنامه جدید تثبیت اقتصادی با اهداف کلی

1. World Bank, *Turkey: Prospects and problems of an Expanding Economy* (Washington D.C, world Bank publications, 1975) P. 121

۲. این هشت کالا عبارت بودند از: توتون، پنبه، فندق، کشمش، انجیر خشک، روغن زیتون، روغن و ملاس.

1. World Bank, Op. Cit, P. 126.

آزادسازی نسبی اقتصاد داخلی و دیدگاه برون‌نگر در تجارت خارجی ارائه گردید. این برنامه برای مواجهه با تورم موجود که در آن زمان ۸۰ درصد برآورد می‌گردید، کاهش هزینه‌های جاری دولت در بخش عمومی و تعیین بهای کالاهای تولیدی توسط مؤسسات بخش عمومی و بالتبع نیاز کمتر به سوبسید دولتی و کنترل شدید تر بر روند پولی کشور را مد نظر قرار داد. در بخش تجارت خارجی، این برنامه دو اصل مهم یعنی تعیین نرخ معقول تبدیل ارز و حذف جهت‌گیریهای ضدصادراتی را در رأس توجهات خویش قرار داد.

جهت‌گیریهای عمومی صادراتی در این برنامه عبارت بودند از:

— ارزش لیر ترکیه تا ۵۰ درصد در برابر دلار آمریکا کاهش یافت. نرخ تبدیل ارز برای صادرات در کل از  $47/10$  لیره ۷۰ لیر در مقابل یک دلار افزایش یافت. سیستم چندگانه نرخ ارز (با پنج نرخ متفاوت از ۳۵ لیر برای صادرات اقلام کشاورزی تا ۴۸ لیر برای مصارف توریستی) بجز در مورد واردات کود شیمیایی، نهاده‌های صنعت کود شیمیایی و سموم دفع آفات حذف گردید.

— تمامی امور مربوط به گسترش صادرات در بخشی از سازمان برنامه‌ریزی دولت متمرکز گردید. واردات بدون عوارض نهاده‌های مورد استفاده در تولید کالاهای صادراتی تسهیل گردید و اعتبارات صادراتی (با نرخ بهره کمتر از بازار) افزایش یافت. مقررات مربوط به نگهداری ارز صادراتی توسط صادرکنندگان<sup>۱</sup> که برطبق آن صادرکنندگان می‌توانند ۵۰ درصد از درآمد خالص صادراتی خویش را در اختیار داشته باشند و سیستم باز پرداخت مالیات<sup>۲</sup> بعنوان جبران‌کننده مالیاتهای غیرمستقیم بر صادرات نیز گسترش یافت.

اقتصاد ترکیه گرچه در دهه ۱۹۸۰ توأم با مشکلات اساسی: تورم سه رقمی، دیون خارجی<sup>۳</sup>، کاهش ارزش پول و پیامدهای سیاسی آن بوده لکن از حیث تولیدات صنعتی و تجارت خارجی رشد چشمگیری داشته است. با روی کار آمدن دولت آقای اوزال برنامه‌های اقتصادی در جهت آزادسازی بیشتر اقتصاد و تجارت اجرا می‌گردد. دولت انعطافاتی در کنترل ارز بوجود آورده و قوانین بانکی، آزادی بیشتری به تجار داده است. از طرفی جریان انتقال

## 1. Foreign Exchange Retention Scheme

## 2. Tax Rebate System.

۳. مشکل بدهیهای خارجی در ترکیه با توجه به رقم فعلی (۳۸/۵ میلیارد دلار بدهی) که هزینه سالانه آن معادل  $7/2$  میلیارد دلار (تقریباً معادل نیمی از بودجه دولت) است قابل توجه می‌باشد.

مالکیت از بخش عمومی به بخش خصوصی از سال ۱۹۸۶ در بخش وسیعی از مؤسسات تحت پوشش دولت آغاز گردیده که از بسیاری جهات، نتایج، بسیار خوب بوده است. رشد اقتصاد در اواسط دهه ۱۹۸۰ بین سالانه ۷ تا ۸ درصد بود. ارزش صادرات (با نرخ رشد متوسط سالانه ۲۵ درصد) از ۲/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۷/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ و ۱۱/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۸ بالغ گردید<sup>۱</sup>.

میزان سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سال ۱۹۸۸ به تنهایی به حدود ۸۰۰ میلیون دلار رسید که این رقم ثلث حجم سرمایه‌گذاری‌های مشابه در طی سه دهه گذشته بوده است. جریان ورود سرمایه توأم با تقویت صنعت توریسم که اقدامات زیادی در این زمینه صورت می‌گیرد و نیز افزایش ارسال ارز از سوی کارگران ترک مقیم خارج جملگی ۱۰۰ میلیون دلار مازاد تراز جاری در سال ۱۹۸۸ ایجاد نمودند.

ناگفته نماند که این رقم نخستین مازاد در تراز حساب مذکور از اوایل سالهای دهه ۱۹۷۰ می‌باشد.

همگام با افزایش ارقام صادرات، ساختار آن نیز طی دهه ۱۹۸۰ از نظر کالایی و نیز از حیث مقاصد صادراتی تغییر اساسی یافته است.

جدول (شماره ۱) نشان می‌دهد که سهم صادرات صنعتی با رشدی نسبتاً آرام از ۱۸/۷ درصد در سال ۱۹۶۵ به ۳۶ درصد در سال ۱۹۸۰ رسیده در حالی که از سال ۱۹۸۰ با نرخ رشد متوسط سالانه ۵۰ درصد (برحسب دلار) افزایش یافته است و به ۷۲/۱ درصد در سال ۱۹۸۴ و ۷۹ درصد در سال ۱۹۸۷ بالغ گردیده است.

در حال حاضر بیش از دوهزار نوع تولیدات مختلف صنعتی به خارج از کشور صادر می‌گردد ایجاد مؤسسات صادراتی به شیوه کره جنوبی در ترکیه، مناطق تجاری آزاد، سیستم باز پرداخت مالیاتها به صادرکنندگان همراه با نرخهای معقول تبدیل ارز از جمله مهمترین عوامل مؤثر گسترش صادرات صنعتی در دهه ۱۹۸۰ به شمار می‌روند.

صادرات ترکیه از حیث ساختار جغرافیایی، تغییر جهت عمده‌ای بسوی کشورهای خاورمیانه (بخصوص عراق و ایران) داشته است. ترکیه یکی از اعضای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) بشمار می‌آید که هنوز هم نیمی از تجارت آن با این کشورها صورت می‌پذیرد. سهم این کشورها در صادرات ترکیه در سال ۱۹۸۴ بالغ بر ۵۲ درصد بوده است. آلمان غربی در این میان بیشترین سهم را در صادرات ترکیه

۱. بانک مرکزی، اخبار و مباحث اقتصادی هفته، اداره امور بین‌المللی - شماره ۲، ۶۸/۲/۲.

جدول شماره ۱ - ساختار کالائی صادرات ترکیه

(۳)	(۳)	(۳)	(۲)	(۲)	(۲)	(۲)	(۲)	(۱)	(۱)	
۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۰	۱۹۶۵	
۱۰۱۹۰	۷۴۵۷	۷۹۵۸	۷۱۳۳	۵۷۲۸	۵۷۴۶	۴۷۰۳	۲۹۱۰	۵۸۸	۴۷۹	کل صادرات کالایی (میلیون دلار)
۱۸/۱	۱۸/۵	۲۱	۲۴/۵	۳۲/۸	۳۷/۳	۴۷/۲	۵۷/۲	۷۵/۶	۷۳/۲	سولیدها - کشاورزی و دامی (درصد زکل)
۲	۳/۳	۳	۳/۴	۳/۳	۳/۱	۴/۱	۶/۶	۶/۲	۴	مواد معدنی (درصد زکل)
۷۹	۷۱	۷۵	۷۲/۱	۶۳/۹	۵۹/۷	۴۸/۷	۳۶	۲۲/۶	۱۸/۷	سولیدها - صنعتی (درصد زکل)

1. Anne O. Krueger, *Turkey, Foreign Trade Regimes & Economic Development*, (Minnesota, Columbia University Press 1974).
2. World Bank, *Export Incentives & Turkish Manufactured Exports, 1980-84*, (Washington D.C., 1986).
3. The Economic Intelligence Unit (EIU), *Turkey; Country profile, 1989-90*, (London, EIU Pub. 1989).

جدول شماره ۲ - توزیع جغرافیایی صادرات ترکیه

(۲)	(۲)	(۲)	(۲)	(۲)	(۱)	(۱)	
۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۰	۱۹۶۵	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل صادرات
۳۸/۳	۳۵/۱	۳۰/۵	۳۲	۴۲/۷	۳۹/۵	۳۳/۹	کشورهای عضو EEC
۱۴/۱	۱۳/۱	۱۳/۹	۱۶/۲	۱۵	-	-	سایر کشورهای OECD
۴	۴/۳	۵/۶	۷	۱۶/۹	۱۳/۸	۱۴/۷	کشورهای عضو MEA و کمک
۳۸/۶	۴۲/۴	۴۴/۲	۴۰/۳	۱۷	-	-	حاکمیتها - هوا فرهای مالی
۵	۵	۵/۷	۴/۷	۸/۲	-	-	سایر کشورها

مأخذ:

1. Anne O. Krueger, *Turkey, Foreign Trade Regimes & Economic Development*, (Minnesota, Columbia University Press 1974).
2. World Bank, *Export Incentives & Turkish Manufactured Exports, 1980-84*, (Washington D.C., 1986).

داراست. در سال ۱۹۸۷، ۲۱/۴ و در سال ۱۹۸۸، ۱۸/۴ درصد از صادرات ترکیه به مقصد آلمان غربی صورت گرفته است.<sup>۱</sup> قبول عضویت ترکیه در جامعه اقتصادی اروپا (EEC) می‌تواند به افزایش روابط تجاری این کشور با این جامعه کمک کند. اما از سویی مخالفت دولت یونان با به عضویت درآمدن ترکیه در جامعه اقتصادی اروپا به علت درگیریهای سیاسی بر سر مسئله قبرس و مخالفت برخی اعضای دیگر به دلیل ترس از رواج کالاهای ارزان ترکیه (از قبیل پوشاک) و هجوم احتمالی کارگران مهاجر ترک به بازار این کشورها از جمله دلائلی است که عضویت ترکیه در این جامعه را به تأخیر انداخته است و بعید بنظر می‌رسد که این امر در سالهای نزدیک تحقق یابد.

از سال ۱۹۸۰ صادرات ترکیه به کشورهای خاورمیانه، بخصوص جهان عرب و ایران، رشد قابل توجهی داشته است. سهم کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در صادرات ترکیه از ۱۷ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۳۸ درصد در سال ۱۹۸۴ افزایش یافته است. از جمله دلائل مهم افزایش صادرات به این منطقه، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (افزایش صادرات مجدد ترکیه به این دو

کشور) و کاهش درآمدهای نفتی کشورهای عضو اوپک می‌باشد که سبب توجه بیشتر آنها به کالاهای ارزان ترکیه گردید.

سفرهای مداوم هیئتهای اقتصادی-تجاری ترک سبب توجه بیشتر این کشور به خاورمیانه بعنوان بازار خوبی برای محصولات خویش گردیده است. اکنون تجار و مقامات تجاری ترکیه به این نتیجه رسیده‌اند که تا بحال از بازار بالقوه شرکای تجاری عرب غفلت ورزیده و اکنون در پی گسترش روابط تجاری خویش با این کشورها می‌باشند.

حجم مبادلات ترکیه در پی آتش-بس در منطقه افزایش یافته است. ایران و عراق مهمترین شرکای تجاری ترکیه در میان کشورهای خاورمیانه بشمار می‌روند در سال ۱۹۸۸ بیش از ۳۶ درصد واردات نفتی ترکیه از این دو کشور صورت گرفته است. در سال گذشته علی‌رغم جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، کامیون‌های ترانزیت ترکیه بیش از ۴۹ هزار تن کالا عمدتاً شامل قطعات یدکی و ابزار برقی به ایران حمل کردند.<sup>۲</sup> ترکیه بعنوان جاده ترانزیت میان آسیا و اروپا از موقعیت بسیار خوبی در تجارت خویش بهره جسته است. همچنین ترکیه سرمایه‌گذاری‌های

1. Financial Times, 22 May 1989, P. VIII.

2. Turkey: Relations with the Developing Countries, South, March 1989, P. 46-

مسئول دانستن شوروی و بلغارستان در اقدامات تروریستی در این کشور در سطحی بالا قرار نداشته است، از جمله دلائلی است که نظر فوق را تأیید می‌کند.

سهم صادرات صنعتی ترکیه از ۲۲/۶ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۳۶ درصد در سال ۱۹۸۰ و ۷۲/۱ درصد در سال ۱۹۸۴ افزایش داشته است.

همانگونه که اشاره گردید علاوه بر فضای خارجی مناسب برای گسترش صادرات ترکیه و آزادسازی تجاری در آن کشور (ناشی از اجرای سیاست تثبیت اقتصادی در ۱۹۸۰)، مشوقهای صادراتی که در اوایل دهه ۱۹۸۰ ارائه گردید نقش بسزائی در گسترش صادرات ترکیه داشته‌اند. این مشوقها عمده شامل موارد زیر می‌باشند:

۱) باز پرداخت مالیات صادراتی به صادرکنندگان که در جهت جبران مالیاتهای غیرمستقیم بر آنها می‌باشد. در این زمینه بیش از ۹۵ درصد مالیاتها به صادرکنندگان کالاهای صنعتی برگردانده می‌شود.

۲) اعتبارات صادراتی با نرخ بهره کمتر از نرخ بهره طرحهای تولیدی مشابه برای مصارف داخلی کشور. این اعتبارات بر چهار

مشترک خود با کشورهای خارومیانه را افزایش داده است. این سرمایه‌گذاریها با کشورهای لیبی، کویت، امارات متحده عربی انجام گرفته است و اخیراً مذاکره با مصر و الجزایر برای صنایع پتروشیمی، آهن و فولاد، اتوموبیل و وسایل برقی صورت پذیرفته است.

همکاریهای فنی و برنامه‌های آموزشی از جمله خصوصیات جدید تجارت ترکیه با جهان سوم است. برای سال ۱۹۸۹ قراردادهای آموزشی با مصر و همکاریهای فنی با تانزانیا در بخشهای الکترونیک، سیمان، چرم، منسوجات و بخشهای کشاورزی منعقد گردیده است. بنظر می‌رسد اکنون بیش از آنکه انگیزه‌های سیاسی در ایجاد روابط ترکیه با سایر کشورها مؤثر باشد، اهداف تجاری و جستجوی بازارهای مناسب برای صادرات ترکیه در گسترش این روابط تأثیر بسزائی داراست. علی‌رغم آنکه ترکیه بعنوان کشوری تحت نفوذ سیاسی و نظامی آمریکا محسوب می‌گردد، در سفری که آقای اوزال در سال ۱۹۸۶ به واشنگتن داشت شعار «تجارت نه کمک» (Trade not Aid) را مطرح ساخت. اتخاذ موضع نسبتاً بیطرف در جنگ تحمیلی به دلیل منافع بیشمار تجاری که برای این کشور در بر داشته است و تمایل این کشور به افزایش روابط تجاری با بلوک شرق که تا بحال به دلیل دیدگاه بدبینانه دولت ترک نسبت به



قسم است: اعتبارات عمومی صادرات، اعتبارات مربوط به امور بسته‌بندی و توزیع، اعتبارات مربوط به صادرات میوه و سبزی، و اعتبارات برای مؤسسات تجاری خارجی (از قبیل اتاقهای بزرگ بازرگانی). بودجه تشویقی خاصی به دو قسم آخر تخصیص یافته است. بیش از ۹۰ درصد کل اعتبارات که از طریق سازمان برنامه ریزی ترکیه صورت می‌گیرد به صادرات صنعتی تعلق گرفته است.

۳) مقررات مربوط به تخصیص ارز این مقررات بر دو قسمتند: تخصیص عمومی ارز خارجی و تخصیص ارز برای واردات موقت برای مثال نهاده‌هایی که بطور مستقیم در ساخت تولیدات صادراتی بکار می‌روند از قبیل مواد بسته‌بندی. تقریباً تمامی ارز تخصیص یافته در این زمینه مربوط به تولیدات صنعتی می‌باشد.

### ارزیابی اثرات مشوقهای صادراتی بر گسترش صادرات ترکیه

میزان تأثیر این مشوقها بر گسترش صادرات می‌تواند از طریق تعیین میزان سوبسید نهفته در هر مشوق صورت پذیرد. بانک جهانی بررسی نسبتاً جامعی در این زمینه (برای دوره ۱۹۸۰-۸۴) بعمل آورده و نتایج و بررسیهای خویش را انتشار داده

است. انتخاب این دوره در این بررسی به دلیل کامل و نسبتاً کافی بودن این دوره از حیث اجرای کامل سیاستهای تشویق صادرات و نیز از جهت آماری می‌باشد. ابتدای این دوره همزمان با اجرای برنامه تثبیت اقتصادی، و انتهای آن نیز همزمان با پایان سیستم قدرتمند و مستقیم مشوقهای صادراتی است. از آغاز سال ۱۹۸۵ این سیستم مشوقها تا حدود زیادی تغییر جهت داده و یا تنزل یافته است. میزان مالیاتهای باز پرداختی کاهش و برای حذف کامل و تدریجی آنها برنامه‌هایی به اجرا درآمده. و همچنین اعتبارات ترجیحی برای صادرات برخی اقلام حذف گردیده است. در فوریه ۱۹۸۵ ترکیه ماده‌ی مربوط به سوبسید و مالیاتهای جبرانی موجود در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) را به امضاء رسانید که براساس آن دولت امضاء کننده موظف است هیچ‌گونه سوبسید مستقیم به کالاهای صادراتی سایر کشورهای عضو اعطاء ننماید.

### بازپرداخت مالیات به صادرکنندگان

باز پرداخت مالیاتهای غیرمستقیم بر صادرات تولیدات، سالهاست که یکی از مشوقهای مهم صادراتی تلقی می‌گردد. در

آغاز، باز پرداخت این مالیاتها بطور مجزا بر هر یک از اقلام صادر شده تعلق می‌گرفت. در سال ۱۹۷۵ این سیستم از طریق تقسیم کلیه کالاهای صادراتی به ده گروه تسهیل گردید. هر یک از این گروه‌ها نرخ باز پرداخت مالیاتی مشخص و متفاوتی داشتند ۵ درصد اضافه نیز به صادرات انبوه (که در آن زمان بر صادرات بیش از ۱/۸ میلیون دلار تعلق می‌گرفت) باز پرداخت می‌گردید. پس از کاهش ارزش لیر در ژوئن ۱۹۷۹، نرخهای پایه باز پرداخت کاهش یافت در حالی که حداقل میزان لازم صادرات برای اخذ ۵ درصد اضافه به سطح ۳/۵ میلیون دلار افزایش یافته بود. نرخ باز پرداخت مالیاتی این ده گروه از ۱۵ درصد (در گروه اول) به صفر درصد (در گروه نهم) و نرخهای خاص برای اقلام گروه ده (کالاهای بسته بندی شده) متفاوت بود.

در ماه مه ۱۹۸۱ همزمان با شناور شدن نرخ برابری ارز، باز پرداخت مالیاتی نیز افزایش یافت. این نرخها به ترتیب از ۲۰ تا صفر درصد در نوسان بود. نه تنها برآورد میزان

مالیات غیرمستقیم که صادرکننده در مراحل میانی و نهایی تولید مجبور به پرداخت آن بود، بلکه سهم ارزش افزوده محصول، و توجهات بیشتر دولت به اقلام خاص صادراتی از جمله عواملی بوده و می‌باشند که در قرارگیری کالاها در هر گروه مؤثرند.

تفاوت میان میزان باز پرداخت مالیاتی دولت به صادرکننده و میزان واقعی مالیات اخذ شده از او، بعنوان یک سوبسید برای صادرکننده تلقی می‌گردد<sup>۱</sup>.

علاوه بر ده گروه مالیات باز پرداختی، میزان بیشتری از این باز پرداختها به صادرکنندگان عمده تعلق می‌گیرد. در این زمینه برای کلیه صادرات از دو تا ده میلیون دلار، ۶ درصد اضافه باز پرداخت در نظر گرفته شده است. بطور مشابه صادرات بین ده تا سی میلیون دلار، ۱۲ درصد اضافه باز پرداخت خواهد داشت. لذا در صورتی که ارزش صادرات بنگاهی ۲۵ میلیون دلار باشد، می‌تواند از ۹/۱۲ درصد، اضافه از محل باز پرداخت مالیاتی کسب نماید<sup>۲</sup>.

در پایان سال ۱۹۸۳ دولت جدید آقای

۱. از آنجا که تولیدکنندگان داخلی تمام بار مالیات غیرمستقیم را نمی‌توانند به مصرف کننده نهایی منتقل کنند، منفعت ناشی از قانون باز پرداخت مالیات به صادرکننده برای او در مقایسه با تولیدکننده داخلی بیشتر می‌گردد.

۲. برای ۲ میلیون دلار صادرات اولیه هیچ گونه اضافه باز پرداختی نیست. برای ۸ میلیون دلار اضافی، ۰/۴۸ میلیون دلار و برای ۱۵ میلیون دلار بقیه، ۱/۸ میلیون دلار باز پرداخت می‌شود. که مجموعاً ۲/۲۸ میلیون دلار یا به عبارتی ۹/۱۲ درصد ارزش صادرات خواهد بود.

اوزال تصمیم به کاهش تدریجی باز پرداخت مالیاتی گرفت. عوامل متعددی در اتخاذ این تصمیم دخیل بودند از آن جمله: تصور می‌گردید که در ارتباط با سیاست آزادسازی تجاری، تشویق صادرات می‌بایست پیش از آنکه متکی بر سوبسید مستقیم به صادرکنندگان باشد، از طریق بکارگیری ابزار غیرمستقیم، مانند: تعدیل نرخ برابری ارز صورت پذیرد. ثانیاً، حجم نسبتاً بالای مالیات باز پرداخت شده سبب اعلام ارقام جعلی صادرات توسط برخی از صادرکنندگان گردیده بود. در این مورد بدون آنکه انتقال واقعی کالا از کشور مبدأ به کشور مقصد صورت گرفته باشد، انتقال ارز از طریق کارگران ترک مقیم خارج و یا شرکای تجاری صادرکنندگان صورت می‌گرفت و سبب ادعای صادرکننده برای دریافت مالیات باز پرداختی می‌گردید که بالتبع این درآمد میان طرفین تقسیم می‌شد. در سال ۱۹۸۴ ارزش صادرات جعلی حدود یک میلیارد دلار (۱۴ درصد از کل صادرات کشور) برآورد گردیده است.<sup>۱</sup> سومین دلیل دولت اوزال بر کاهش مالیات باز پرداختی نیاز کشور به کاهش هزینه‌های دولتی بوده

است. بدین ترتیب کاهش تدریجی این مشوق از سال ۱۹۸۴ صورت پذیرفت. بررسی اقلام تحت پوشش قانون باز پرداخت مالیاتی نشان می‌دهد که تعداد این کالاها از ۳۷۳ کالا در سال ۱۹۸۰ به ۶۴۸ کالا در سال ۱۹۸۵ افزایش یافته است. این افزایش بطور مداوم و در تمامی بخشها به استثناء کالاهای مصرفی که تا حدودی در سال ۱۹۸۵ کاهش داشته، اعمال گردیده است. میزان افزایش اقلام تحت پوشش این قانون در مورد کالاهای سرمایه‌ای که تعداد آنها از ۱۰۳ در سال ۱۹۸۰ به ۲۵۴ در سال ۱۹۸۵ بالغ گردیده، بارزتر بوده است.

زیر بخشهای تولیدی شامل آهن و فولاد، وسایل حمل و نقل، چرم و پوست و ماشین‌آلات برقی و غیربرقی بیشترین تعداد اقلام را در گروههای با نرخهای بالای باز پرداخت<sup>۲</sup> مالیاتی داشته‌اند. بیش از نیمی از اقلام بخشهای شیمیایی و منسوجات در گروه با نرخهای پایین باز پرداخت قرار دارند. در سال ۱۹۸۴ کاهش عمومی مالیات باز پرداخت شده بیش از صنایع مصرفی و واسطه‌ای بر صنایع سرمایه‌ای تأثیر گذارد. در طی دوره ۸۴-۱۹۸۰ صنایع بایبشتین

1. World Bank staff papers No. 768, *Export Incentives and Turkish Manufactured Exports, 1980 - 1984*, (Washington D.C., World Bank publications, 1986) P. 12.

۲. نرخ باز پرداخت مالیاتی عبارت است از: میزان ارزش مالیات باز پرداخت شده تقسیم بر میزان ارزش صادرات مجاز به دریافت باز پرداخت مالیاتی که به صورت درصد بیان می‌گردد.

نرخ دریافت مالیات باز پرداختی، شامل: وسایل حمل و نقل (با نرخ متوسط سالانه ۲۴ درصد)، آهن و فولاد (۲۰ درصد) و تولیدات چرم و پوست (۱۹ درصد) بوده‌اند. منسوجات و تولیدات فلزی نیز از نرخهای بالای مالیات باز پرداختی (۱۸ درصد) برخوردار گردیده‌اند.

**اکنون تجار و مقامات تجاری ترکیه به این نتیجه رسیده‌اند که تا بحال از بازار بالقوه شرکای تجاری عرب غفلت ورزیده و اکنون در پی گسترش روابط تجاری خویش با این کشورها می‌باشند.**

در طی دوره مذکور کمترین نرخ به صنایع شیمیایی (کمتر از ۱۴ درصد) مربوط بوده است. طی دوره ۱۹۸۴-۱۹۸۱ میزان ارزش سیاست باز پرداخت مالیاتی از حیث میزان سوبسید ارائه دهنده به صادرکننده به مقدار زیادی افزایش یافته است. سوبسید<sup>۱</sup> پنهان از این طریق، براساس بررسی بانک جهانی از ۳/۶ درصد ارزش کل صادرات

صنعتی در سال ۱۹۸۱ به ۱۰ درصد در سال ۱۹۸۲ و ۱۱ درصد در ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ بالغ گردید.

افزایش این نوع سوبسید در مورد صنایع مصرفی از ۲/۳ درصد در ۱۹۸۱ به ۱۰ درصد و در مورد صنایع واسطه‌ای از ۵/۳ درصد به ۱۳ درصد و در مورد کالاهای سرمایه‌ای از ۵ درصد به ۱۵ درصد در پایان دوره افزایش یافته است. با این توجه که در سال ۱۹۸۴ سهم سوبسید از این طریق از کل صادرات سرمایه‌ای به ۱۰ درصد کاهش یافت. صنایعی که از بیشترین سوبسید برخوردار گردیدند عبارتند از: تولیدات مصنوعات فلزی (بطور متوسط حدود ۴۲ درصد از ارزش صادرات)، سیمان (۱۲ درصد) و تولیدات چرم و پوست (۱۱ درصد). وسایل حمل و نقل و صنایع تبدیلی مواد غذایی از کمترین سوبسید برخوردار گردیده‌اند (حدود ۴ درصد).

### اعتبارات صادراتی

ارزش تشویقی که اعتبارات اعطایی به بخش صادرات برای صادرکننده در بر دارد نتیجه تفاوت میان نرخ بهره اعتبارات عمومی

۱. سوبسید موجود در روش باز پرداخت مالیاتی عبارت است از: تفاوت میان نرخ باز پرداخت مالیاتی در طی سالهای ۱۹۸۴-۱۹۸۱ و نرخ باز پرداخت مالیاتی در سال ۱۹۸۰ ضربدر نسبت صادرات مجاز به دریافت باز پرداخت مالیاتی بر کل صادرات.

حذف تدریجی این اعتبارات سهم آنها در کل اعتبارات بانک مرکزی به ۶ درصد کاهش یافت در حالی که بانک‌های تجاری هنوز هم — و حتی بیشتر — به اعطای اعتبارات به بخش صادرات ادامه می‌دادند.

در این مورد نیز کالاهای سرمایه‌ای بیش از سایر کالاها از اعتبارات صادراتی برخوردار گردیده‌اند. حجم اعتبارات سوئیس شده صادراتی از ۳۷ درصد ارزش صادرات در ۱۹۸۰ به ۲۲ درصد در ۱۹۸۱، ۱۰ درصد در ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ و  $2/4$  درصد در سال ۱۹۸۴ کاهش یافت. بدین نحو بیشترین زیان نیز با حذف این سوئیس‌ها متوجه این صنایع گردید. میزان سوئیس‌ناشی از اعتبارات صادراتی به صنایع در مورد تولیدات فلزی (۳۴ درصد)، ماشین‌آلات برقی و غیربرقی (به ترتیب ۲۶ و ۱۵ درصد) و فلزات غیرآهنی (۱۶ درصد) بیشترین میزان بوده است. در حالی که صنایع چرم و پوست ( $4/5$  درصد) و سیمان (۶ درصد) از کمترین سوئیس در این زمینه برخوردار گردیده‌اند.

## تخصیص ارز و واردات بدون عوارض نهاده‌ها

صادرکنندگان با در دست داشتن مجوزهای صدور و یا اعتبار استادی می‌توانند درخواست دریافت ارز جهت واردات مورد

کوتاه‌مدت و نرخ پایین‌تر بهره برای اعتبارات اعطایی به بخش صادرات است. بررسی‌های بعمل آمده نشان می‌دهد که تفاوت این دو نرخ بهره که در ابتدای سال ۱۹۸۰، ۱۷ درصد بود در سال ۱۹۸۱ به ۳۰ درصد افزایش و در سال ۱۹۸۲ به  $20/3$  درصد و در سال‌های بعد به  $18/9$  و ۱۷ درصد کاهش یافت. در ژانویه ۱۹۸۵ دولت تصمیم به حذف اعتبارات صادراتی گرفت. کاهش تفاوت میان نرخ بهره اعتبارات کوتاه‌مدت و اعتبارات صادراتی نتیجه افزایش سریع نرخ بهره اعتبارات صادراتی از سال ۱۹۸۱ بوده است. برای مثال در ژانویه ۱۹۸۰ و در آغاز برنامه تثبیت اقتصادی، نرخ مؤثر بهره اعتبارات صادراتی  $8/25$  درصد برآورد گردید، در حالی که نرخ تورم سالانه بیش از ۱۰۰ درصد بوده است. در پایان سال ۱۹۸۴ و قبل از حذف کامل اعتبارات سوئیس شده صادراتی، نرخ مؤثر بهره به  $50/5$  درصد بالغ گردید، در حالی که تفاوت چندانی با نرخ تورم موجود آن زمان (معادل ۵۶ درصد) نداشت.

همزمان با تغییر نرخهای بهره اعتبارات صادراتی، سهم اعتبارات صادره از بانک مرکزی در کل اعتبارات تأمین شده از ناحیه این بانک از ۶ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۱۵ درصد در پایان ۱۹۸۳ افزایش یافت که معادل ده درصد متوسط سالانه کل اعتبارات این بانک بوده است. در سال ۱۹۸۴ با

و نیز توانایی صادرکننده برای فروش بخشی از ارز حاصله در بازار آزاد که درآمدی بعنوان سوبسید برای او در بر خواهد داشت. گرچه تفاوت نرخ رسمی و نرخ آزاد ارز بتدریج با کاهش ارزش لیر توسط دولت بسیار کاهش یافته است.

میزان سوبسید ایجاد شده از طریق این مشوق برای صادرکنندگان همانند اکثر مشوقهای دیگر تا سال ۱۹۸۳ افزایش و در سال ۱۹۸۴ کاهش یافت. این کاهش از سویی به دلیل تقلیل میزان ارز تخصیص یافته به صنایع و از سوی دیگر به علت کاهش نرخهای تعرفه واردات در پی آزادسازی نسبی واردات بود.

صنایع فلزات غیرآهنی، تولیدات فلزی، ماشین آلات برقی و وسایل حمل و نقل بیشترین سوبسید را از این طریق دریافت داشته اند. این چهار صنعت مجموعاً بیشترین

نیاز و یا دریافت مجوز جهت واردات بدون عوارض نهاده‌ها به میزان تعیین شده از جانب دولت بنمایند. تا پایان سال ۱۹۸۳ واردات بدون عوارض تا میزان ۶۰ درصد ارزش صادرات مجاز بود. از دسامبر ۱۹۸۳ این نسبت به ۴۰ درصد کاهش یافت. برای صادرکنندگانی که تقاضای واردات بیش از ۴۰ درصد ارزش صادرات خویش داشته‌اند، روش خاصی به اجرا درآمد که براساس آن باز پرداخت مالیات به صادرکننده فوق‌نه براساس کل میزان صادرات بلکه تنها بر درآمد خالص ارزی او تعلق می‌گرفت. بدین لحاظ با توجه به اهمیت مالیات باز پرداختی برای صادرکننده و کاهش آن که در صورت تخصیص سهم بیشتری از درآمد ارزی به واردات، می‌بایست متقبل می‌شد، این روش تا حدی از درخواست ارز آنها جلوگیری نمود.

در حال حاضر بیش از دو هزار نوع تولیدات مختلف صنعتی به خارج از کشور صادر می‌گردد ایجاد مؤسسات صادراتی به شیوه کره جنوبی در ترکیه، مناطق تجاری آزاد، سیستم باز پرداخت مالیاتها به صادرکنندگان همراه با نرخهای معقول تبدیل ارز از جمله مهمترین عوامل مؤثر گسترش صادرات صنعتی در دهه ۱۹۸۰ به شمار می‌روند

میزان سوبسید (حدود ۲۰ درصد از ارزش صادرات سالانه) را دریافت نموده‌اند. سوبسید دریافت شده صنایع از طریق

میزان تشویق مؤثر این روش در دو بخش است: میزان عوارضی که از این طریق (واردات بدون عوارض) صرفه‌جوئی می‌گردد

تخصیص ارز، در صنایع کالاهای سرمایه‌ای (۲۶ درصد در سال ۱۹۸۰) بیش از صنایع واسطه‌ای (۶-۴ درصد) و کالاهای مصرفی (۲ درصد) بوده است. میزان بیشتر سوبسید برای کالاهای فوق به دلیل تخصیص بیشتر ارز به این صنایع و تعرفه‌های بالا تر واردات برای نهاده‌های بکار رفته در آنها است.

در مجموع، این بررسیها نشان می‌دهد که مجموع سوبسید حاصله از سه نوع مشوق صادراتی فوق برای صادرکنندگان کالاهای سرمایه‌ای بیشتر از سایر کالاها بوده است. لذا سوبسید حاصله نسبت معکوسی با میزان اهمیت کالا در کل صادرات صنعتی ترکیه داراست. حدود ۵۳ تا ۶۳ درصد از کل صادرات صنعتی ترکیه را کالاهای مصرفی تشکیل می‌دهد در حالی که ۴۵ درصد از کل سوبسید حاصل از مشوقها را دریافت می‌دارد. از سوی دیگر کالاهای سرمایه‌ای که کمتر از ۱۰ درصد از مجموع صادرات صنعتی است، ۲۰ درصد از کل سوبسید را دریافت داشته‌اند.

در ۱۹۸۴ اگر چه سوبسید حاصله برای سه بخش تولیدات صنعتی کاهش یافته اما در ترتیب دریافت آنها از این سهم تغییری حاصل نگردیده است. کالاهای سرمایه‌ای بیشترین میزان سوبسید (۲۴ درصد از کل صادرات صنعتی) و کالاهای واسطه‌ای در مرتبه دوم (۱۸ درصد) و کالاهای مصرفی (۱۲ درصد) کمترین میزان سوبسید را در

سال ۱۹۸۴ دریافت داشته‌اند. تفاوت میان میزان سوبسید دریافتی و اهمیت تولیدی صنعت در میان صنایع حتی بیشتر از این هم بوده است: صادرات تولیدات فلزی، ماشین‌آلات برقی و فلزات غیرآهنی که مجموعاً ۴ تا ۵ درصد از کل صادرات صنعتی می‌باشند حدود ۵۰ تا ۹۴ درصد از ارزش صادرات خویش را بعنوان سوبسید دریافت داشته‌اند. از سوی دیگر مواد غذایی و منسوجات که بیش از نیمی از صادرات صنعتی ترکیه را تشکیل می‌دهند تنها معادل ۱۱ تا ۱۹ درصد ارزش صادرات خویش، از سوبسید برخوردار گردیده‌اند. این امر را می‌توان بکارگیری نسبتاً مطلوب مشوقها و اعطای سوبسیدهای پنهان در میان صنایع ترکیه تلقی نمود که تأثیر بسزائی در افزایش دامنه صادرات صنعتی ترکیه با نرخ رشد بی‌سابقه در اوایل دهه ۱۹۸۰ داشته است حذف این گونه مشوقهای سوبسیددار نیز لطمه چندانی بر پایه‌های صنعتی کشور در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ وارد نساخته و تنها واضح است که آهنگ سریع رشد صادرات و رشد تولیدات صنعتی را تا حدودی آرامتر نموده است. در ارزیابی میزان کارایی مشوقهای صادراتی باید گفت: در صورتی یک مشوق صادراتی می‌تواند بطور موثر و بهینه بکار گرفته شود که صنعت مورد تأثیر را از آستانه شکست در قابلیت رقابت به پیروزی برساند. به عبارتی این مشوقها باید به صنایعی

تعلق گیرند که در این صورت قدرت رقابت در بازارهای جهانی را بدست می آورند و صنایعی که خود این قابلیت را دارند (صنایع پوشاک و مواد غذایی) و یا بالعکس عدم کارآئی در آنها بحدی است که سوبسیدهای کلان هم آنها را به کارایی نخواهد رسانید می بایست از سوبسیدهای کم و یا هیچ برخوردار گردند که بار اضافی بر دوش دولت نیز نباشد و تجربه اخیر در ترکیه نشان می دهد که بخش عظیمی از مشوقهای صادراتی به نحو مطلوبی میان صنایع تقسیم شده اند.

### نتیجه گیری

۲۲/۶ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۳۶ درصد در سال ۱۹۸۰ و ۷۲/۱ درصد در سال ۱۹۸۴ افزایش داشته است. از حیث بازارهای صادراتی نیز توجه بیشتری به کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا معطوف گردیده است. دلائل متعددی می توان بر این توفیق در تجارت خارجی و گسترش صادرات تصور نمود. فضای بسیار مناسب خارجی، خصوصاً جنگ ایران و عراق که سبب توجه بیشتر دو کشور به واردات از ترکیه گردید. کل صادرات ترکیه به این دو کشور از ۲۲۰

رشد سریع صادرات ترکیه در دهه ۱۹۸۰، برخلاف رشد صادرات تحت استراتژی جانشینی واردات که در دهه های قبل اعمال می گردید، به گونه ای است که بطور متوسط سالانه ۲۵ درصد (از نظر ارزش) افزایش داشته است و این در حالی است که در این دوره صدور تولیدات صنعتی از آهنگ رشد سریعتر ۴۹ درصد برخوردار بوده اند. ساختار صادرات ترکیه از حیث کالائی و جغرافیائی نیز تغییر جهت اساسی یافته است. سهم صادرات صنعتی ترکیه از



سیاسی دامن می‌زنند، اما آزادسازیهای اقتصادی از اوایل دهه ۱۹۸۰ در پی اجرای سیاست تثبیت اقتصادی و تسهیل تجارت خارجی سبب رشد چشمگیر صادرات ترکیه گردیده است. در این میان دولت بعنوان پشتیبان قوی سیاستهای خویش و علی‌رغم مخالفت‌های سیاسی داخلی نقش اساسی در این رشد داشته است.

از آنجا که تداوم در سیاست‌گذاری‌ها و تعهد دولت در اجرای آن در هر گونه فضای داخلی و خارجی عامل مؤثری در تشویق سرمایه‌گذاری‌ها و جذب سرمایه به داخل کشور است، در ترکیه نیز مقامات تجاری و تجار متوجه بازارهای خارجی بعنوان منابع کسب درآمدهای ارزی و صادرات بیشتر گردیدند.

مجموعه این عوامل، رشد چشمگیر صادرات ترکیه در دهه ۱۹۸۰ را در پی داشته است. در این میان مشوقهای صادراتی بعنوان مهمترین عامل در افزایش قدرت رقابت تولیدات صنعتی ترکیه در بازارهای بین‌المللی نقش خویش را ایفا نمود به گونه‌ای که با تقویت بنیادهای صنعتی کشور و کسب بازارهای مناسب برای صادرات حذف تدریجی این مشوقها از سال ۱۹۸۴ گرچه نرخ رشد صادرات را تا حدودی کاهش داده است اما هنوز هم صادرات صنعتی کشور از آهنگ رشد بالایی برخوردار می‌باشد.

میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به ۱/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۴ و با کمی کاهش نسبت به اوایل دهه به ۱/۳۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۷ افزایش یافت. گرچه وجود این فضای مناسب تجاری بعنوان یک عامل خارجی مؤثر در افزایش صادرات ترکیه از ۱۹۸۰ به بعد تلقی می‌گردد اما با اطمینان می‌توان گفت که در صورت فقدان سیاستهای مؤثر تجاری و مشوقهای صادراتی دولت ترکیه، این فضای مناسب اثر چندانی در افزایش صادرات کشور نمی‌توانست ایفا نماید. کاهش ارزش لیر ترکیه و ارائه مشوقهای صادراتی از قبیل: باز پرداخت مالیاتی به صادرکنندگان، اعتبارات سوبسید شده اعطایی به بخش صادرات و نیز تخصیص ارز به صنایع صادراتی جهت واردات نهاده‌ها از جمله سیاستهای مؤثری است که ترکیه را قادر ساخت از فضای مناسب خارجی بهره کامل گرفته و به افزایش صادرات خویش کمک کند.

گرچه وجود مشکلات داخلی کشور از جمله: تورم سه‌رقمی که عمده متوجه اقتدار کم درآمد در جامعه است، بدهیهای خارجی ۳۸/۵ میلیارد دلاری، عدم حمایت از تولیدکنندگان کوچک داخلی و به ورشکستگی رسیدن آنها به دلیل وجود حمایت‌های فزاینده از تولیدکنندگان عمده و مؤسسات بزرگ صادراتی دلالی هستند که به مشکلات داخلی کشور و ناآرامیهای

در مجموع می‌توان گفت که سه عامل مشخص در توفیق صادراتی ترکیه در دهه ۱۹۸۰ دخیل بوده‌اند که نحوه اثرات آنها در صادرات کشور را می‌توان در نمودار زیر خلاصه نمود. این سه عامل عبارتند از:  
الف) حمایت موثر و قوی دولت از صادرات

و ایجاد اثر مثبت روانی در تجار کشور در جهت سرمایه‌گذاری بیشتر در امر صادرات  
ب) افزایش مشوقهای صادراتی  
ج) وجود عوامل مناسب و فضای مطلوب خارجی

